

به یاد اکبر محمدی همراه با منوچهر محمدی

مازیار شکوری کیل چالان



باسمه تعالی

برادر بزرگوار جناب آقای منوچهر محمدی

با سلام و ارادت

از آنجا که مدت زمانی ست توفیق نداشته ام کما فی السابق از احوال شریف جویا شوم و عرض ادب و ارادت نمایم وقت را غنیمت شمرده تا در سالگرد برادر مرحوم تان زنده یاد اکبر محمدی عرض مراتب احترام را خدمت شریف عرضه داشته و پاره ای از مسائل را با شخص شما طرح نمایم.

حضرتعالی خود بهتر از اینجانب و دیگر عزیزان بر اهمیت قیام هجدهم تیر ماه سال هفتاد و هشت واقف بوده و میدانید ابعاد این قیام و بازخوانی تاریخی و تحلیل دیگر باره آن از چه اهمیت و تأثیری بر آینده سیاسی ایران برخوردار میباشد. شما خود از بازماندگان آن قیام و حوادث پس از آن یعنی زندان ها و شکنجه ها بوده اید. بی شک فضای سیاسی آن سالها را به خوبی به یاد دارید. قیام هجدهم تیر در شرایطی به وقوع پیوست که اختناق بر جامعه حکومت میکرد و حتی جریان اپوزوسیون وقت که همان جریان موسوم به دوم خرداد بود ریشه در رژیم و بنیان های آن داشته و به همین جهت سعی بر آن داشت تا اختلافات سیاسی با جناح راست حاکم را در چارچوب های به رسمیت شناخته شده ساختار قدرت پیش برده و به بیانی دیگر کنترل نماید. به خوبی به یاد دارید که در آن مقطع حتی نهضت آزادی و نیروهای ملی مذهبی روزمره از سوی نیروهای موسوم به دوم خرداد مورد طرد قرار گرفته بر پایه قاعده خودی و غیرخودی مورد تجزیه و تحلیل قرار میگرفتند. جنبش دانشجویی وقت هم مستثنی از این دید و قاعده نبود. جناح دوم خرداد که در آن مقطع حساس کابینه دولت را در دست داشت و مطبوعات و جراید کشور را مالک بود همواره سعی بر آن داشت تا جنبش دانشجویی را هم به گونه ای اخص کنترل نموده و از آن به عنوان ابزاری در راستای جنگ قدرت بر برابر جناح دیگر حکومتی بهره جوید. به یقین به یاد دارید که در همان مقطع دفتر تحکیم وحدت هم بیشتر تحت تأثیر و القانات همین جناح سیاسی قرار داشت و آقای علی افشاری در زمان با تحمل چه رنج و سختی هایی توانست برای اولین بار پای جناب آقای دکتر یزدی را به عنوان میهمان به دفتر تحکیم وحدت بگشاید. در آن ایام به نظر برخی از فعالان دانشجویی فعالیت دانشجویی در خارج از آن مدار بی هوده مینمود، چرا مطبوعات و جراید در دست اپوزوسیون حکومتی بودند و فقط به گونه ای سلیقه ای مواضع جریان دانشجویی وابسته به دوم خرداد را در سطح جامعه انعکاس میدادند. از این جهت اشخاصی که نسبت به جناح های حکومتی وقت از استقلال رأی و فکر برخوردار بودند از آنچنان میل و رغبتی برای فعالیت های دانشجویی برخوردار نبودند. از این زاویه است که امروز نقش حضرتعالی و زنده یاد اکبر محمدی از اهمیت برخوردار میباشد. همانگونه که میدانید و میدانیم جریان دوم خرداد قصد بر آن داشت تا از دانشجویان در حوادث کوی دانشگاه تهران فقط و فقط در محدوده قدرت و اعتراض به تعطیلی روزنامه سلام بهره جسته تا در جنگ قدرت ضرب شستی به جناح مقابل نشان دهد. اما در این میان آنچه بازی از پیش طراحی شده را بر هم زد و اعتراضات کوی دانشگاه تهران را از درون دانشگاه و نزاع درون حاکمیت به خارج از دانشگاه کشاند تا به قیام ملی هجدهم تیرماه تغییر

ماهیت دهد زنده یاد اکبر محمدی و دیگری همچون او بودند که معتقد به تنزل حرکت سیاسی جامعه دانشجویی ایران در محدود دعوای جناح های حکومتی نبودند.

پس از تظاهرات مردمی سی خرداد ماه شصت این اولین بار بود که پس از مدت ها رژیم جمهوری اسلامی با چالشی ملی مواجه می شد. نیروهای دانشجویی مستقل همچون زنده یاد اکبر محمدی به شکستن دایره مطالبات دانشجویی در محدوده خواست های رژیم نائل آمدند و بنیانی نو در تاریخ مبارزاتی پس از انقلاب بنا نهادند که هم مسیر عمومی مبارزات را تغییر داد و هم نقطه عطفی در مبارزات جنبش دانشجویی ایران شد.

برادر بزرگوار، آقای محمدی همانگونه که میدانید از وضعیت شما مطلع و میدانم به علت استقلال رأی و اعتقادی که در مبارزات سیاسی بر اصل استقلال دارید از قدرت های خارجی تغذیه نشده اید و همواره دست رد بر سینه قدرت های خارجی زده اید. به یاد دارم همان روز های اول که به امریکا رسیده بودید در تلویزیون صدای امریکا پرده از توطئه ای مهم برداشتید و گفتید که دولت وقت امریکا خواهان بهره برداری از موقعیت شما بوده تا با قرار دادن امکانات مالی و رسانه ای بخشی از اپوزوسیون را با شما همراه کند تا شما رئیس جمهور ایران شوید اما شما با رد این درخواست دولت وقت امریکا توطئه چلی سازی را نقش بر آب کردید و بر اصل استقلال پای فشردید و اکنون هم برای ادامه راه مبارزه با مشکلات عدیده مالی و غیر مالی دست و پنجه نرم میکنید و نتوانسته اید برنامه های مبارزاتی را که در نظر داشتید عملی نمایید. به هر حال چه میشود کرد برادر گرامی؟؟؟ صحیح است که ایستادن بر اصل استقلال حیاتی ترین اصل در مبارزه سیاسی ست اما دست از کار هم نمیتوان کشید و در کنجی منفعلانه در انتظار نشست و نظاره گر بود.

حضر تعالی شرایط موجود را بهتر از بنده ادراک مینمایید که امروز میهن و ملت انحصارا از سوی استبداد حاکم تهدید نمی شود بلکه، اپوزوسیون ها فاسد و وابسته به قدرت داخلی و خارجی و مضافا اپوزوسیون جعلی تهدیدهای دیگری برای میهن و ملت میباشند.

منظور نظر اینکه اکنون امروز بازار سیاسی ایران به بازار مکاره ای مبدل شده است و اشخاصی که فاقد عقبه سیاسی و مبارزاتی بوده اند سیره حبیثه ای را پیشه کرده اند تا از هر نمدی برای خود کلاهی دست و پا کنند که کرده اند. قیام ملی هجدهم تیرماه و مبارزات دانشجویی هم پس از سال ها از این آفات در امان نمانده است. برخی در رسانه ها خود را رهبر جنبش دانشجویی و قیام ملی هجدهم تیر معرفی کرده اند و برخی دیگر از این شجره ملعونه به علت واکاوی نشدن ابعاد این قیام برای خود پیشینه ای سراسر جعل و دروغ بافته اند. امروز آنچه بر دوش شما سنگینی میکند این است که هرچه سریعتر خاطرات خود را تحت عنوان کتابی پیرامون خاطرات خود از قیام ملی هجدهم تیر و ابعاد آن منتشر نمایید تا باشد که به عنوان مرجعی در راستای مبارزات آینده قرار گرفته و راه را بر سوء استفاده گران که از آفات هر جنبش قیامی میباشند بند آورد. این نه به عنوان یک درخواست، بلکه تکلیفی ست که به عنوان برادر کوچکتر خدمت شریف یاد آور می شوم. آنچه که امروز میتواند و میباید ادامه سبیل مبارزه زنده یاد اکبر محمدی قرار گیرد همان است که معروض داشتم. چرا که نه قیام هجدهم تیر مسئله ایست انحصاری و نه فقط اکبر محمدی برادر شما بلکه، قیام هجدهم تیرماه همانگونه که شرح آن رفت برگی و نقطه عطفی در تاریخ مبارزاتی میهن و ملت است و اکبر محمدی هم برادر تمامی جوانان ایران و فرزند تمامی پدران و مادران این مرز و بوم.

ایام عزت برقرار

مازیار شکوری گیل چالان

+++++

برچیده تبرستان از اخبار روز، یک شنبه 30-7-2017 / 8-5-1396

<http://www.akhbar-rooz.com/news.jsp?essayId=81294>